



مسیرهای کاروانی شرقِ چانگ‌آن: عناصر ایرانی در هنر بودایی شان‌دونگ

لی سی‌فی

برگردانِ مریم نظریان



fold-era.com



مسیرهای کاروانی به شرق شهر باستانی چانگ‌آن^۱: عناصر ایرانی در هنر بودایی شان‌دونگ^۲ (استان شرقی چین) |
لی سی‌فی^۳

برگردانِ مریم نظریان

استان شان‌دونگ به لحاظ آثار بودایی بسیار غنی بوده و همچنان مقصد مورد علاقه‌ی بازدیدکنندگان از نقاط گوناگون چین و حتی کره و ژاپن به شمار می‌رود. یکی از شناخته‌شده‌ترین نواحی استان شان‌دونگ، شهر چینگ‌چو^۴ می‌باشد؛ که دلیل آن هم کشف تعداد زیادی مجسمه‌ی بودایی، در آن منطقه، طی سال‌های اخیر است.

تزینات منحصر‌بفرد مجسمه‌های شهر چینگ‌چو، توجه متخصصان را به خود جلب کرده است. در برخی از مجسمه‌ها حتی نقش‌هایی بر روی سینه‌ی بودا یا بودی‌ستوا وجود دارد. طرح‌هایی از مردم آسیای مرکزی، جزو جالب‌ترین نقش‌های زینتی بر روی این مجسمه‌ها محسوب می‌شوند. در خصوص این نگاره‌ها، توجه ویژه‌ی هنرمندان چینی، معطوف به نمایش ویژگی‌های غیربومی آن‌ها، مانند قبا، چکمه (موزه) و همچنین بینی‌های برجسته (دارای برآمدگی استخوان)، موهای فر و ریش بوده است (تصویر ۱). پژوهشگران، این مشخصه‌ها را غالباً معرف مردم سرزمین‌های دور غربی، به ویژه سغدیان، می‌دانستند که طی قرون ششم و هفتم پس از میلاد حضور بسیار مؤثری در چین داشتند. (Qingzhou shi bowuguan 1999: fig. 131).



تصویر ۱) طرحی از غیربومیان بر روی جامه‌ی یک مجسمه‌ی بودا، که در چینگ‌چو کشف شده است. تمامی طرح‌ها از نویسنده.

هدفم در این مقاله، برجسته‌سازی آثاری از شان‌دونگ است که کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده‌اند. از این گذشته، آثار مذکور در بردارنده‌ی تصاویری از کالاهای خارجی یا مردمی غیربومی هستند که در دوره‌ی پیش از اسلام، در مسیر میان آسیای مرکزی و چین، معروف به «جاده‌ی ابریشم»، سفر می‌کردند. احتمالش زیاد است که ادعاهای مبنی بر «هویت پارسی [ایرانی]» یا «آثار هنری پارسی [ایرانی]»، که در طول سلسله‌های ژو شمالی، سوئی و

1. Chang'an

2. Shandong province 山東

3. Li Sifei 李思飞

4. Qingzhou 青州; (توضیحات پانویس جملگی از مترجم‌اند)



تانگ به طور بارزی در هنر و متون چینی به چشم می‌خورد، در واقع متأثر از سغدیان آسیای مرکزی بوده باشد. طی این دوره‌ها، تعداد بسیار کمی از پارسیان [ایرانیان] وارد چین شدند. در مقابل، سغدیان هیچ‌کس نباشد از قرن چهارم، مهاجرت و سکونت در سرزمین‌های چین را آغاز کردند. به احتمال زیاد، تاجران سغدی، به منظور بالا بردن ارزش خدمات و اجناس‌شان، به هر طریق ممکن موفق شدند که خود و محصولات خود را با عنوان «پارسی [ایرانی]» به بزرگان چینی، که قادر به تشخیص تفاوت‌ها نبودند، معرفی کنند.

«مرد پارسی [ایرانی]» در غارهای کوه توشان^۱



غارهای کوه توشان از جمله آثار تاریخی کمتر شناخته‌شده‌ی بودایی در منطقه‌ی چینگ‌چو می‌باشند که قدمت‌شان به اواخر دوران ژو شمالی و اوایل دوران سوئی بازمی‌گردد. در میان پنج غار مجموعه‌ی توشان، غاری هست که معمولاً با نام «شماره‌ی ۲» (تصویر ۲) بدان اشاره می‌کنند؛ در آنجا پیکره‌ی مردی به چشم می‌خورد که جامه‌ای متفاوت با جامه‌ی چینی‌ها به تن دارد. محلی‌ها، بر پایه‌ی نقل‌قول‌ها و روایت‌ها، از این تندیس با عنوان «مرد پارسی [ایرانی]»^۲ یاد می‌کنند (Yan 1957: 33; Li 1998). در هنر بودایی، از جمله هنر بودایی چین طی این دوره، غالباً تندیس‌هایی از مردم غیربومی و بیگانه به لحاظ فرهنگی و قومی، به چشم می‌خورد. اما، نظر به این‌که بودیسم در سرزمین پارس [ایران] به‌ندرت مورد تأیید قرار می‌گرفت، وجود این مجسمه‌ی مرد پارسی [ایرانی] در غارهای توشان درخور توجه است.

تصویر ۲) مجسمه‌ی معروف به «مرد پارسی [ایرانی]» در غارهای توشان. عکس از نویسنده.

1. Tuoshan 驼山 Caves

2. Bosiren 波斯人



بین سال‌های ۲۲۴-۶۵۱ پس از میلاد، سرزمین پارس [ایران] تحت سلطه‌ی سلسله‌ی ساسانیان بود و دین اصلی، دین زرتشت (همچنین معروف به مزدیسنا، به یاد ایزد برتر، اهورامزدا) بود. گروه‌های مختلفی از پیروان ادیان دیگر مانند یهودیت، مسیحیت، آیین بودایی، آیین هندو، و دیگر فرقه‌های دین زرتشت در امپراتوری چندقومیتی ایران وجود داشتند و مورد آزار و اذیت قرار نمی‌گرفتند. اما در نواحی مرگوش (مرو) و تخارستان (باختر)، در دورترین حاشیه‌های شرقی امپراتوری ساسانی، دین بودایی پیروان بیشتری نسبت به نواحی مرکزی این امپراتوری داشت. وانگهی، ساسانیان حدوداً از سال ۴۵۵ پس از میلاد، به تبادل سفیران با دربارهای چین می‌پرداختند (Ecsedy 1979:155).

پیروز سوم، پسر یزدگرد سوم (۶۳۲-۶۵۱)، آخرین پادشاه ساسانی، در پی استقبال امپراتور چین، گائوزونگ^۱ از دودمان تانگ (۶۵۰-۶۸۳)، دور از میهن، در شهر چانگ‌آن زندگی می‌کرد. در شرح وقایع چین، نام پیروز به صورت «بیلوسی»^۲ و به دیگر صورت‌های نقل شده آمده، که تمامی آن‌ها دقیقاً با نام «پیروز» مطابقت دارند. پیروز توانست جایگاه مهمی در دربار چین بدست آورد. در آرامگاه امپراتور گائوزونگ و ملکه وو زتیان^۳، واقع در آرامگاه کیانلینگ^۴، مجسمه‌ی بی‌سر پیروز سوم را با نوشته‌ای بر پشت آن می‌توان دید که گویای لقبش است (Compareti 2003:203; Compareti 2009a). لباس‌های مجسمه‌ی پیروز شامل یک ردای بلند بی‌پیرایه با یک کمر بند ساده و یک کیسه (توبره) است که همگی کاملاً شبیه به لباس‌های بسیاری از دیگر مجسمه‌ها در آرامگاه کیانلینگ هستند (تصویر^۳). در زبان چینی، معمولاً به این کیسه یا توברה به‌خصوص، با نام کیسه (یا کیف) پانانگ^۵ اشاره می‌کنند، که از دیرباز تداعی‌گر مردم هوا^۶ بوده است؛

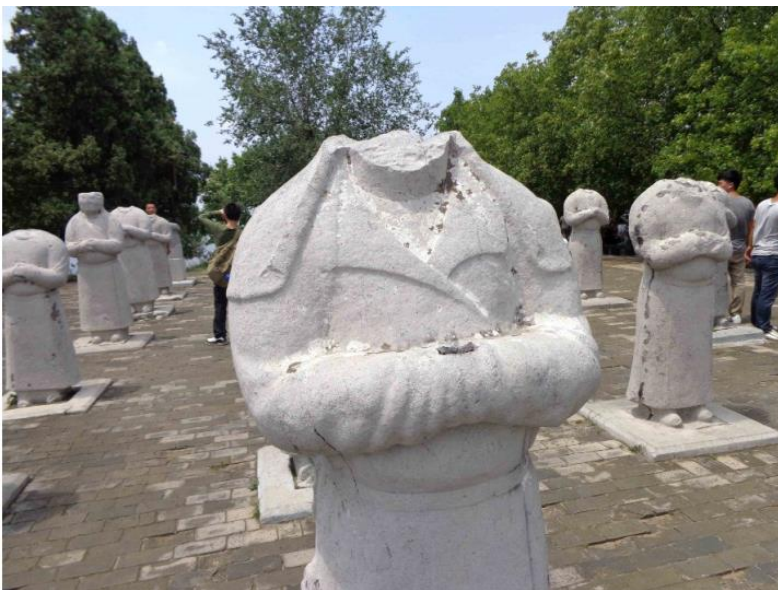
1. Gaozong 唐高宗
2. Beilusi 卑路斯
3. Wu Zetian 武则天
4. Qianling 乾陵
5. Pannang 鞞囊
6. Hu 胡



«هو» اصطلاحی است که عموماً در زبان چینی برای اشاره به غیربومیان یا بیگانگان، به ویژه سغدیان، به کار می‌رفت (Qi) (2018).

تصویر ۳) مجسمه‌ی پیروز سوم در آرامگاه کیان‌لینگ. عکس از متئو کمپرتی^۱

به دلیل این که چهره‌ی «مرد پارسی [ایرانی]» معروف، در غار «شماره‌ی ۲» در کوه توشان، از بین رفته است، تشخیص اینکه ریش داشته است یا خیر، دیگر ممکن نیست. گرچه ردای او بلند و ساده است، اما دو طرف جلو سینه و کمر بند چرمین، با دقت و ظرافت ساخته شده‌اند. مجسمه‌ی پیروز در آرامگاه کیان‌لینگ از این لحاظ متفاوت است، ولی برخی از دیگر مجسمه‌های بیگانگان در این آرامگاه، ویژگی‌های مشابهی (با «مرد پارسی» [ایرانی]) دارند (تصویر ۴). متأسفانه نوشته‌های دیگر بر روی مجسمه‌های آرامگاه کیان‌لینگ بسیار مبهم هستند و تشخیص هویت این مقامات خارجی همواره آسان نیست. می‌توانیم جامه‌های جلوباز، مانند جامه‌ی مجسمه‌های کوه توشان و آرامگاه کیان‌لینگ را پوشش ویژه‌ی مردم آسیای مرکزی به شمار آوریم.



تصویر ۴) مجسمه‌ی یک بیگانه در آرامگاه کیان‌لینگ. عکس از متئو کمپرتی

نظر به اینکه پارسیان، سغدیان، باختریان (تخارها)، ترک‌ها و دیگر مردم آسیای مرکزی، همگی در هنر تندیسگری چینی به نمایش درآمده‌اند، ولی باز هم تشخیص آن‌ها بدون هیچ موشکافی و دقتی ممکن نیست. به هر روی، مجسمه‌ای در آرامگاه کیان‌لینگ با موهای بلند بافته شده وجود دارد؛ که این مشخصه می‌تواند معرف یک ترک باشد. جامه‌ی او در قسمت سینه باز است؛ اما نه به شکلی که در جامه‌ی مجسمه‌ی غار توشان دیده می‌شود. در نقاشی‌های سغدی مربوط به میانه‌ی

قرن هفتم، در شهر باستانی افراسیاب، نیز ترک‌ها آراسته در ردایی به چشم می‌خورند که درست همانند ردای مجسمه‌ی

¹ Matteo Compareti



غار توشان است (تصویر ۵). شهر افراسیاب یکی از غنی‌ترین و قدرتمندترین شهرهای سغدیان، در طول سده‌های ششم تا هشتم، به حساب می‌آمد؛ این شهر در حاشیه‌ی شمالی منطقه‌ای واقع شده بود که بعدها سمرقند نام گرفت. سمرقند در دوره‌ی تیموریان، پایتخت حکومت خوانده شد و به چنان شکوه و عظمتی رسید که نامش همراه با امپراتوری تیمور شناخته شده است. حاصل مطالعات پیشین در خصوص جامه‌ی سغدیان و ترک‌ها اینگونه بود که این دو گروه در خصوص جامه و به طور کلی در طراحی لباس‌ها، مشترکات بسیار زیادی داشتند (Yatsenko 2009; Yatsenko 2012). افزون بر این، نگاره‌های قرن هفتم و هشتم در پنجه‌کند^۱ نیز مردم و ایزدان سغدی را با این نوع از جامه‌ها نشان می‌دهند، که دارای نقش‌های زینتی، عموماً با نام «حلقه‌های مروارید»^۲ هستند (تصویر ۶).

تصویر ۵) ترک‌ها در یک نقاشی سغدی در شهر افراسیاب (سمرقند پیش از اسلام). (After: Arzhantseva and Inevatkina 2006: fig 2)



تصویر ۶) طرحی از جامه‌های پیراسته با حلقه‌های مروارید، در یک نقاشی سغدی، در پنجه‌کند (اتاق ۱۰، بخش XVII)، دیرین‌کده‌ی هرمیتاژ



از نمونه تصویرهای «مرد پارسی [ایرانی]» در هنر چینی باستانی، دست‌کم به دو مورد می‌توان اشاره کرد. «طومار نهاد خراج»^۳ (در دربار امپراتوری) مربوط به سال ۱۰۷۷ می‌باشد که اکنون در دیرین‌کده‌ی ملی^۴ چین نگهداری می‌شود و برگرفته از یک نسخه‌ی اصلی است که امپراتور شیائو‌یی^۵ از دودمان لیانگ (۵۰۲-۵۵۶) آن را تهیه کرده بود. در این

۱. Panjikent: نام یک سایت باستانی مهم که اکنون در تاجیکستان واقع شده است: این نام‌جا به صورت پنج‌کنت، پنجی‌کند، و مانند‌هایش نیز ثبت شده است.

۲. Pearl Roundels

۳. Zhigong tu 職貢圖

۴. National Museum; برای واژه «موزه» از برابرنهادهایی چون «یادگاه»، «باستان‌خانه»، و «آثارخانه» نیز توان بهره برد

۵. Xiao Yi 蕭繹



نسخه، غیربومیان متعددی، از جمله یک «سفیر پارسی [ایرانی]»^۱ نشان داده شده است (تصویر ۷). چنانچه نمایان است، هیچ یک از این بیگانگان به طور دقیقی ترسیم نشده‌اند، و احتمالاً به این خاطر است که این اثر شیائویی، برگرفته از

توصیفات از قول دیگران، و به طور غیر مستقیم، بوده است (Compareti 2003: 202-3; Compareti 2009a). نمونه‌ی دیگر از تصویر «مرد پارسی [ایرانی]»^۲ را می‌توان در یک سنگ نگاره‌ی مربوط به قرن نهم، در غارهای جیان‌چوان^۳ در استان یون‌نان^۴ مشاهده کرد. همچون مجسمه‌ی غار توشان، قسمتی از صورت این سنگ‌نگاره نیز تعدداً از بین رفته (تصویر ۸)، و هیچ بخشی از لباس یا لوازم فرعی او نشان از سبک پارسی [ایرانی] ندارد (Compareti 2003: 204; Compareti 2009a). تشخیص هر دو مورد، به‌عنوان «مرد پارسی [ایرانی]»، تنها با نوشته‌ی همراه آن‌ها تأیید می‌شود. به احتمال زیاد، این «پارسیان [ایرانیان]» ثمره‌ی کار آن دسته از هنرمندان چینی بوده‌اند که بخت مشاهده‌ی مستقیم سوژه‌های خود را نداشته‌اند.

تصویر ۷) سفیر پارسی [ایرانی] در «طومار نهاد خراج» (After: Compareti 2003: fig 1)



تصویر ۸) «مرد پارسی [ایرانی]»؛ سنگ‌نگاره‌ی واقع در غارهای جیان‌چوان. (After: Compareti 2003: fig 4)

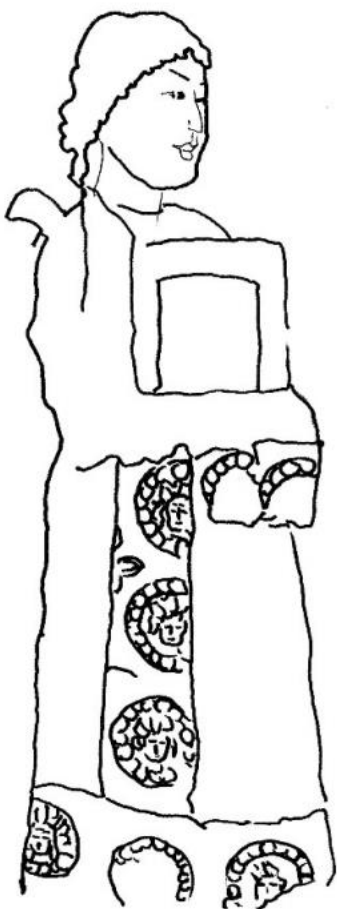
1. Bosi guo shi 波斯國使
2. Bosi guo ren 波斯國人
3. Jianchuan 劍川
4. Yunnan Province



مجسمه‌ی راهب در شهرستان بوشینگ^۱

در هیچ‌یک از دو طرح «سفیر پارسی [ایرانی]» در «طومار نهاد خراج» اثر شیائو یی، و «مرد پارسی [ایرانی]» غارهای جیان‌چوان، تزئینات به‌خصوص روی پارچه به چشم نمی‌خورد. همان‌طور که در بالا اشاره شد، از میان بیشتر نقش‌های زینتی جامه‌های «پارسی [ایرانی]»، نقش معروف به «حلقه‌ی مروارید» بی‌تردید محبوب‌ترین و رایج‌ترین نقش بوده است.

گرچه پژوهش‌گران مدت مدیدی نقش زینتی حلقه‌ی مروارید را به‌عنوان یک نقش‌مایه‌ی ویژه‌ی ساسانی به حساب می‌آوردند، اما شواهد اندکی از این نقش در هنر ایرانی پیش از اسلام به چشم می‌خورد. لیک این نقش‌مایه را معمولاً در سنگ‌نگاره‌های مربوط به اواخر دوره‌ی ساسانی و در تزئینات معماری، در هنر گچ‌بری می‌توان یافت (Compareti 2005; Compareti 2009b). ممکن است که نقش‌مایه‌ی زینتی حلقه‌ی مروارید در واقع در سرزمین سغد خلق شده باشد؛ که غالباً بر روی جامه‌های ایزدان محلی و دیگر مردمان نشان داده شده است. پارچه‌های مزین با حلقه‌های مروارید، نخستین بار در چین، بر جامه‌ی شخصیت‌های برجسته‌ی نقاشی‌های دیواری مقبره‌ی شو شیانشیو^۲ جلوه نمود؛ وی یکی از مقاماتی بود که در دوران سلسله‌ی چی شمالی (۵۵۰-۵۷۷) درگذشت. در یکی از نمونه‌های نقاشی دیواری موجود در مقبره‌ی شو شیانشیو (تصویر ۹)، حلقه‌های مروارید بر روی یک نمذ زین (آدرم) و جامه‌ی یک خدمتکار نمایان است. در قسمت داخلی هر یک از حلقه‌های مروارید، سر یک انسان وجود دارد، و با توجه به شکل کلاه در آن نقش، چنین می‌نماید که یک بوداسف یا بودی‌ستوا باشد. همان‌طور که مشخص است، فرمانروایان سلسله‌ی چی شمالی، روابط بسیار نزدیکی با مهاجران سغدی داشتند و از حامیان بسیار علاقمند و مشتاق آیین بودایی بودند. از این گذشته، از مهاجران سغدی اغلب در متون چینی یاد می‌شود. اما، پارسیان [ایرانیان] از سرزمینی بودند که بوداگرایی در آنجا رواجی نداشت و در متون چینی هم از ایشان بسیار کم یاد شده است. به همین دلیل، احتمال آن بسیار بیشتر است که منسوجات مزین به نقش‌مایه‌ی حلقه‌های مروارید، توسط سغدیان به چین عرضه شده باشد، نه پارسیان (Compareti 2004).



1. Boxing County 博兴

2. Xu Xianxiu 徐顯秀



تصویر ۹) طرحی از یک خدمتکار با پوشش مزین به نقش مایه‌ی حلقه‌های مروارید، در نقاشی دیواری مقبره‌ی شو شیان‌شیو.

مجسمه‌ای از راهب بودایی، که اکنون در دیرین‌کده‌ی باستان‌شناسی بوشینگ، در شهرستان بوشینگ، استان شان‌دونگ، نگهداری می‌شود، جزئیات شگفت‌آور و بسیار جالبی را به ما نشان می‌دهد (Zhang 2015). هرچند شوربختانه قسمت بالایی این مجسمه بسیار آسیب دیده است، اما آنچه توجه پژوهشگران را به سوی خود جلب کرده، جعبه یا صندوقچه‌ای است که راهب در دست دارد. از نمونه تزئینات ارزشمندی که به صورت نقش برجسته، بر روی جعبه درآمده، حلقه‌ی مرواریدی است که شکل یک حیوان، به احتمال زیاد یک پرنده، را در خود جای داده است (تصویر ۱۰). صندوقچه‌هایی از این دست، در محدوده‌ی خود چین پیدا شده‌اند، و موارد دیگری نیز، با تزئینات بسیار مشابه، در سین‌کیانگ (ایغورستان)^۱ از زیر خاک بیرون آورده شده‌اند (Yu 2018: 165). بر روی درب یک صندوقچه‌ی بودایی (احتمالاً یک ساریرا)^۲ که به طور اتفاقی در اطراف شهر باستانی کوچا [کوچه]^۳ (تصویر ۱۱) کشف شد و در حال حاضر در دیرین‌کده‌ی ملی توکیو نگهداری می‌شود، نمونه‌ای از نقش حلقه‌های مروارید ایرانی را می‌توان مشاهده کرد. به دلیل شباهت‌های موجود با حلقه‌هایی که حدوداً در همین دوره در چین یافت شده‌اند، احتمال می‌رود که قدمت این جعبه‌ی کوچایی به حدود قرن هفتم بازگردد.

به احتمال زیاد، آن جعبه‌ی موجود در مجسمه‌ی بوشینگ (تصویر ۱۰) نمونه‌ای پر جزئیات از شیء ارزشمندی باشد که یا از خارج وارد شده، و یا به سبک و سیاق چینی-بودایی، در داخل، ساخته شده باشد. اشیائی از این دست، در هنر چینی بسیار نادرند، ولی در منابع مکتوب به توصیف آن‌ها پرداخته شده است. طبق فصل ۶۸ شرح وقایع سلسله‌ی سوئی (سوئی نامه)^۴، مربوط به دوران امپراتوران وندی^۵ (۶۰۴-۵۸۱) و یانگدی^۶ (۶۱۷-۶۰۴)، مردی با اصل و نسب خارجی با نام «هی چو»^۷ طبق حکمی رسمی گماشته شد تا در چندین کارگاه در قلمروی باستانی شو (سیچوان امروزی)^۸ کاشی‌های لعابی، ظروف یا لوازم شیشه‌ای و منسوجاتی به «سبک پارسی [ایرانی]» تولید کند. شوربختانه در منابع چینی هیچ تشریح مفصلی درباره‌ی این «سبک زینتی پارسی [ایرانی]» نمی‌توان یافت. اخیراً برخی از پژوهشگران، درباره‌ی منسوجاتی که هی چو به «سبک پارسی [ایرانی]» تولید کرده بود، با هدف شناخت ماهیت نقش مایه‌های حلقه‌های مروارید، تفسیری

1. Xinjiang

2. Sarira; ظرفی برای نگهداری آثار، اشیاء، یادگاری‌ها، یا بقایای مقدس

3. Kucha; نام‌جایی برگرفته از نام تیره‌ی کوشان که دسته‌ای از ایرانیان شرقی بوده‌اند

4. Suishu 隋書

5. Emperor Wendi or Wen of Sui 隋文帝

6. Emperor Yangdi or Yang of Sui 隋煬帝

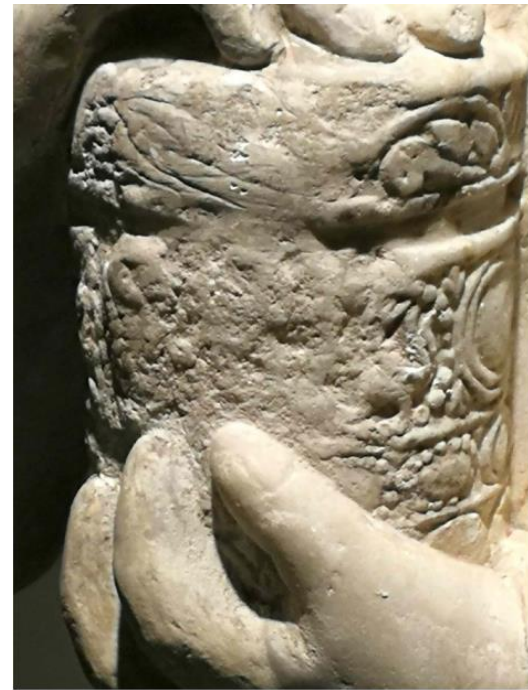
7. He Chou 何稠

8. Shu 蜀 (modern Sichuan)



ارائه دادند که بر اساس آن، حلقه‌های مروارید را به‌عنوان نقش ویژه‌ی پارسی [ایرانی] قلمداد کردند (de la Vaissiere and Trombert 2004: 941).

تصویر ۱۰) صندوقچه‌ای که در دستان مجسمه‌ی راهب بودایی وجود دارد و مزین به نقش حلقه‌ی مروارید است. عکس از نویسنده.



تصویر ۱۱) طرحی از جعبه‌ی ساریرا متعلق به شهر باستانی کوچا، که هم‌اکنون در دیرین‌کده‌ی ملی توکیو نگهداری می‌شود.

به هر روی، نه شرح وقایع سلسله‌ی سوئی (سوئی نامه)، و نه دیگر منابع مکتوب چینی، (از جمله منابع دربردارنده‌ی شرح حال هی چو، مانند آیین‌های جامع برای حکمرانی^۱ [راهنمایی جامع برای کشورداری]) آن‌چنان توصیف دقیقی ارائه نکرده‌اند. در شرح وقایع سلسله‌ی سوئی، تنها به گلابتون‌دوزی بر روی پارچه‌ی ایرانی اشاره شده است، نه به حلقه‌های

1. Zizhi tongjian 資治通鑑



مروارید. از این گذشته، نام و شهرت هی‌چو، آشکارا بر ریشه و اصل و نسبش در سغد مرکزی، و به طور دقیق‌تر در کوشانیا^۱ دلالت دارد. همان‌طور که متئو کمپرتی پیش از این مطرح کرد، به احتمال زیاد، تاجران کارکشته‌ی سغدی، تولیدات خودشان را به عنوان محصولات ایرانی به دربارها یا درباریان مختلف چینی معرفی و عرضه می‌کردند تا غربت‌گرایی^۲ را در آنان شدت بخشیده و بدین‌گونه بتوانند محصولات‌شان را به قیمت بالاتری به فروش برسانند (Compareti 2011).

چنانکه پیش‌تر اشاره شد، نقش‌های زینتی حلقه‌ی مروارید، به‌ندرت در هنر چینی به چشم می‌خورد. تنها نمونه‌ی آشکار دیگری که می‌توان در محدوده‌ی چین یافت، بر روی تابوت لی‌هه^۳، از دوره‌ی دودمان سوئی، می‌باشد. کناره‌های تابوت با حلقه‌های مروارید تزئین شده است (تصویر ۱۲) که اشکال گوناگونی از سرهای انسان‌ها، حیوانات و هیولاها یا جانداران عجیب‌الخلقه را در میان خود دارند (Finsterbusch 1976: pl.14). اما، شایان توجه است که نام کامل لی، با توجه به سنگ‌نبشته‌ی مزارش، لی شیجون بود؛ و این نام، یادآور شی‌جون/ویرکک^۴ سغدی می‌باشد، که تابوت یا گور سنگی‌اش در شهر شی‌آن^۵ کشف شد (Shaanxi sheng wenwu guanli weiyuanhui 1966: 33). یک نمونه‌ی پذیرفتنی دیگر از نقش‌مایه‌ی حلقه‌ی مروارید، بر روی کمر بند یک مجسمه‌ی بودایی، مربوط به قرن ششم، در استان سیچوان^۶ مشاهده شد، ولی طی بررسی دقیق‌تر، به نظر نمی‌رسید که عینا همان نقش تزئینی حلقه‌ی مروارید باشد (Shi 2014: 81-90).

تصویر ۱۲) نمای تابوت مقبره‌ی لی‌هه، که با نقش‌مایه‌ی حلقه‌های مروارید تزئین شده است. (After: Finsterbusch) (1976: pl. 14)

1. Kushanya

۲. Exoticism: غربت‌گرایی (بیگانه‌گرایی) اغلب به همان صورت آگروتیسم (یا ترکیبات‌اش چون آگروتیک، خاصه در بسترهای (نو)استعماری و شرق‌شناختی) می‌آید، و در کل نشان‌گر رویکرد و جریانی است که در آن میل به تجلیات هنری، فرهنگی و اجتماعی سرزمین‌های ناشناخته، دور یا بیگانه، به دلیل غربت و گیرایی‌شان، و اساساً بابت همان وجه ناشناختگی‌شان هرچه بیشتر و رازوارتر می‌شود و این رازوارگی هم مبنایی برای تحریف‌های متعاقب و هم مبنایی برای ارزش‌افزایی کالایی بوده، و در این مورد می‌تواند متأثر از ارتباطات بازرگانی و خصلت توأمان ژئواکونومیک [زمین‌اقتصادی] و ژئوکالچرال [زمین‌فرهنگی] میان ایرانی‌تباران و چینی‌تباران باشد.

3. Li He or Li Shijun

4. Shi Jun/ Wirkak

5. Xi'an

6. Sichuan



باستان‌شناسان طی کاوش‌های اخیر در آرامگاه شرون بمباگار^۱ در مغولستان، یک مقبره‌ی ترکی متعلق به اوایل قرن هفتم، را کشف کردند که به سبک باستانی دودمان تانگ ساخته شده بود (Erdenebol 2017: fig.16). در میان یافته‌ها، تعداد زیادی پیکرک^۲ وجود داشت که در برخی از آن‌ها جامه‌هایی مزین با حلقه‌های مروارید به چشم می‌خورد. نمونه‌ی دیگری از این پیکرک‌ها یا تندیسک‌های تدفینی، در مقبره‌ای کهن در گورستان باستانی آستانه در شهر تورفان^۳ یافت شده است و اکنون در دیرین‌کده‌ی سین‌کیانگ در شهر اوروم‌چی^۴ نگهداری می‌شود (Gasparini 2014: fig.7). چند پیکرک دیگر، متعلق به سلسله‌ی تانگ، در مقبره‌ی پرنس یی ده^۵ در آرامگاه بزرگ چیان‌لینگ^۶، از زیر خاک بیرون آورده شد؛ آن‌ها در واقع مجسمه‌های سواره‌نظام هستند که زره اسب‌هایشان (تصویر ۱۳) با حلقه‌های مروارید تزئین شده‌اند. تشخیص‌اش مشکل است که این سربازان را باید در زمهره‌ی چینی‌ها قرار داد یا از اصل و ریشه‌ی بیگانگان دانست؛ گرچه وجود نقش‌مایه‌های حلقه‌های مروارید، اشارت بر غیربومیان دارد.



تصویر ۱۳) تندیسک سواره‌نظامی که زره اسبش با نقش‌مایه‌ی حلقه‌های مروارید تزئین شده است. متعلق به مقبره‌ی پرنس یی ده در آرامگاه چیان‌لینگ. عکس از نویسنده

به تمام این دلایل پیش‌گفته، به نظر نمی‌رسد که طبقات بالای جامعه‌ی چین (طبقات ثروتمند و قدرتمند جامعه‌ی چین) علاقه‌ی خاصی به نقش‌مایه‌های حلقه‌های مروارید بر روی منسوجات یا سایر اشیاء نشان داده باشند. برعکس، به احتمال

1. Shoroon Bumbagar in Mongolia

2. Mingqi; 冥器 or 明器; مجسمه‌های کوچک یا اشیائی که غالباً کاربرد دینی و آیینی داشته و همراه با مردگان دفن می‌شدند.

3. Astana cemetery in Turfan

4. Urumqi

5. Prince YiDe 懿德

6. Qianling



زیاد، این غیربومیان ساکن چین یا «چینی‌های بربرشده‌ی»^۱ ساکن در تورفان بودند که به چنین نقش زینتی علاقه داشتند. با این توصیفات، بسیار شایند است که نقش مایه‌ی حلقه‌های مروارید، از نقش‌های اصیل ساسانی یا ایرانی نبوده باشد، بلکه به احتمال زیاد، اثر خلق‌شده‌ی بافندگان و هنرمندان سُغدی بوده که کالاهای خود را به عنوان «کالای ایرانی» معرفی می‌کردند. به نظر می‌رسد که تولید منسوجات مزین به نقش‌های حلقه‌های مروارید، هم در سرزمین اصلی سُغدی و هم در جوامع سُغدی ساکن چین، یک تخصص بوده باشد.

نتیجه‌گیری:

از دوران سلسه‌ی ژو شمالی تا اواسط سلسه‌ی تانگ، گویی، طبقات بالای جامعه‌ی چین، «مردان پارسی [ایرانی]» را به عنوان ماهرترین تولیدکنندگانِ غربیِ کالاهای کم‌نظیر خارجی می‌شناختند. این موضوع شگفت می‌نماید، زیرا آن‌گونه که پی برده‌ایم، سُغدیان در حدود قرن چهارم میلادی، جزو نخستین و پرشمارترین مهاجران از سرزمین‌های غربی به چین بودند. اما، ایرانیان تا چندین قرن بعد هم به دربارهای چین راه نیافتند. نه تنها محصولات «ایرانی» در چین بسیار ارزشمند بودند، بلکه در طول دوران سلسه‌ی تانگ، نقش «جادوگر بدسگال ایرانی» نیز به عنوان یکی از شخصیت‌های اصلی در داستان‌های چینی کم‌کم پدیدار شد (Schafer 1951). با این همه، باز هم دور از ذهن است که طی این بازه‌ی زمانی، اطلاعات دقیقی از ایران ساسانی، در محدوده‌ی چین در دسترس بوده باشد. بنابراین، امکان دارد که عرضه‌ی برخی از کالاهای «ایرانی» به دربارهای چینی توسط غربی‌ها در طول این دوره، به دست خود ایرانیان صورت نگرفته باشد، و یا حتی آن کالاهای به سبک اصیل ایرانی تولید نشده باشند. به بیان دیگر، شاید آن‌ها محصولاتی از سرزمین اصلی سُغدی در آسیای مرکزی بوده باشند و یا توسط سُغدیان ساکن چین تولید شده باشند؛ مانند آنچه در مورد «هی چو» مشهود بود. بی‌تردید، چینی‌ها تا اندازه‌ای نسبت به ایرانیان شناخت داشتند، و حتی ممکن است که هنرمندان چینی توانسته باشند آثار خود را با الگوبرداری از ویژگی‌های سفیران ساسانی خلق کرده باشند که از اواسط قرن پنجم به قلمرو چین آمدند (Compareti 2003). اما به احتمال زیاد تصویری که بیشتر افراد طبقه‌ی ممتاز جامعه‌ی چین از «ایران» داشتند - یعنی، سرزمین شگفت‌انگیزی که ظروف و لوازم شیشه‌ای، کارهای فلزی، منسوجات و کالاهای کم‌نظیر و خارق‌العاده‌ی دیگر، از آنجا خلق می‌شوند - تا حد زیادی تحت تأثیر سُغدیان شکل گرفته بود.^۲ شاید به همین دلیل است که بومیان شان‌دونگ، هنوز هم مجسمه‌ی یک بیگانه‌ی نوعی از غرب را به عنوان «مردی از پارس [ایران]» می‌شناسند، حتی اگر شاید مجسمه‌ی مردی از سرزمین سغد باشد یا از منطقه‌ی دیگری از آسیای مرکزی.

^۱ منظور از اصطلاح «چینیان بربرشده» اشاره به چینیانی است که تحت تأثیر زمین‌فرهنگی مردمان غربی‌تر، مشخصاً ایرانی‌تباران و خاصه سُغدیان قرار گرفته بودند، چه، همانطور که رنه گروسه استدلال آورده سرحدات چین کهن در واقع همسایه‌ی «ایرانِ خاوری یا ایرانِ خارجی [ایران بیرونی]» بوده و همانطور که نیکلاس سیمزویلیامز استدلال آورده، سُغدیان در این میان همچون زنبورهای عسل [wasps] آزاد (عملاً به تفکیک از زنبورهای کارگر [bees]) در قامت بازرگان و به لطف زبان میانجی راه ابریشم باستانی، یعنی زبان سُغدی، نقش آمیزنده و درهم‌تنده‌ی فرهنگ‌ها را ایفا می‌کرده‌اند؛ اصطلاح‌سازی فوق‌نشان از خلوص‌گرایی آن چینیان مرکزی یا نوع از سازوکار دفاعی یا ایژه‌سازی [مادون‌انگاری ناشی از ترس و ستایش توأمان] در برابر امر نو، ناآشنا، بیگانه و غریب است که به مرزهای هویت تروتمیز چینی رخنه کرده بود و توأمان مسحورکننده و ترس‌آور بود.

^۲ وری اما و اگرهای نویسنده‌ی محترم، در مورد پیشینه و گستره‌ی اندرکنش و تعاملات میان ایرانیان و چینیان در ادوار مختلف تاریخی (خاصه در دوره اشکانی، زمان ضرب نام «چین» توسط اشکانیان)، بنگرید به علی‌اکبر مظاهری، جاده‌ی ابریشم (جلد یک و دو)، ترجمه‌ی ناصر ملک‌نویان، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۲ [چاپ فرانسه ۱۹۸۲]. این اثر درخشان و روشنگر از سایت ارجمند «پارسی‌انجمن» قابل بارگیری است.



درباره‌ی نویسنده:

خانم لی سی فی، از پژوهشگران مستقلی است که مدرک کارشناسی خود را در رشته‌ی طراحی هنر از دانشگاه بی‌هانگ^۱ و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته‌ی فلسفه از دانشگاه علوم اجتماعی چین^۲ دریافت کرده است. توجه او عمدتاً معطوف به هنر و فرهنگ هلنیستی^۳ در آسیا، و نیز تعاملات فرهنگی میان چین و غرب در امتداد جاده‌ی ابریشم می‌باشد. او نویسنده‌ی کتاب «سمفونی خدایی، بشری و بوطیقا: تأملی بر تندیس‌های یونانی»^۴ است (Nanjing, 2016).

E-mail: lsf_1019@126.com

ارجاعات

Arzhantseva and Inevatkina 2006

Irina Arzhantseva and Olga Inevatkina. "Afrasiab wall-painting revisited: new discoveries twenty-five years old." In: M. Compareti and É. de la Vaissière, ed., *Royal Naurūz in Samarkand: Proceedings of the Conference Held in Venice on the Pre-Islamic Paintings at Afrasiab*, Pisa-Roma: Accademia, 2006, 185-212.

Compareti 2003

Matteo Compareti. "The Last Sasanians in China." *Eurasian Studies* II/2 (2003): 197-213.

Compareti 2004

———. "The Sasanian and the Sogdian 'Pearl Roundel' Design: Remarks on an Iranian Decorative Pattern." *The Study of Art History* 6 (2004): 259-72.

Compareti 2005

———. "Sasanian Textile Art: An Iconographic Approach." *Studies on Persianate Societies* 3 (2005): 143-63.

Compareti 2009a

———. "Chinese-Iranian relations: The Last Sasanians in China." *Encyclopaedia Iranica*. Available online:

<http://www.iranicaonline.org/articles/china-xv-the-last-sasanians-in-china>

Compareti 2009b

———. "Sasanian Textiles: An Iconographical Approach." *Encyclopaedia Iranica*. Available online:

<http://www.iranicaonline.org/articles/sasaniantextiles>

1. Beihang University

2. Chinese Academy of Social Sciences

3. Hellenistic

4. Shenxing, renxing, shixing de jiaoxiang: Xila renti diaosu yishu shangxi 神性, 人性, 诗性的交响: 希腊人体雕塑艺术赏析



Compareti 2011

———. “Un soggiorno alla corte cinese: qualche osservazione sulla biografia di He Chou.” In: G. G. Filippi ed., *Il concetto di uomo nelle società del Vicino Oriente e dell’Asia Meridionale. Studi in onore di Mario Nordio*, Venezia: Cafoscarina, 2011: 227–37.

Ecsedy 1979

I. Ecsedy. “Early Persian Envoys in the Chinese Courts (5th–6th Centuries A.D.).” In: J. Harmatta, ed., *Studies in the Sources on the History of Pre-Islamic Central Asia*, Budapest: Kiadó, 1979: 153–62.

Erdenebol 2017

L. Erdenebol. “Preliminary Excavation Findings from Shoroon Bumbagar, Ulaan Kherem, Mongolia.” In: E. Allinger et al., eds., *Interaction in the Himalayas and Central Asia: Processes of Transfer, Translation and Transformation in Art, Archaeology, Religion and Polity*, Wien: Verlag der Österreichischen Akademie der Wissenschaften, 2017: 29–54.

Finsterbusch 1976

K. Finsterbusch. *Zur Archäologie der Pei-Ch’i (550–577), und Sui-Zeit (581–618)*. Wiesbaden: Franz Steiner Verlag, 1976.

Gasparini 2014

M. Gasparini. “A Mathematic Expression of Art: Sino–Iranian and Uighur Textile Interactions and the Turfan Textile Collection in Berlin.” *Transcultural Studies* 1 (2014): 134–63.

Li 1998

Li Yuqun 李裕群. “Tuoshan shiku kaizao niandaiyu zaoxiang tici kao” 驼山石窟开凿年代与造像题材考 [Research on the cutting period and statuary themes in the Tuoshan Caves]. *Wenwu* 文物 (1998), No. 6: 47–56.

Qi 2018

Qi Xiaoqing 祁晓庆. “Pannangji Huren peinang xisu kao” 鞞囊及胡人佩囊习俗考 [Studies on pannang pouches and the custom of pouch wearing among the Hu people]. *Huaxia kaogu* 华夏考古 (2018), No. 2: 78–85.

Qingzhou shi bowuguan 1999

Qingzhou shi bowuguan 青州市博物馆. *Qingzhou Longxing si fojiao zaoxiang yishu* 青州龙兴寺佛教造像艺术 [The art of Buddhist statues at Longxing Temple in Qingzhou]. Jinan: Shandong meishu chubanshe, 1999.

Schafer 1951



E. H. Schafer. "Iranian Merchants in T'ang Dynasty Tales." In: W. J. Fischell, ed., *Semitic and Oriental Studies: A Volume Presented to William Popper*, Berkeley and Los Angeles: University of California Press, 1951: 403–22.

Shaanxi sheng wenwu guanli weiyuanhui 1966

Shaanxi sheng wenwu guanli weiyuanhui 陕西省文物管理委员会. "Shaanxi sheng Sanyuan xian Shuangsheng cun Sui Li He mu qingli jianbao" 陕西省三原县双盛村隋李和墓清理简报 [A brief report on the Li He tomb from the Sui dynasty in Shuangsheng village, Sanyuan County, Shaanxi Province]. *Wenwu* 文物 (1966), No. 1: 27–33.

Shi 2014

Shi Ruoyu 师若予. "Liang datong sannian fo lixiang yidai wenyang de chubu yanjiu: jiantan Shujin zhong de xiyu yinsu" 梁大同三年佛立像衣带纹样的初步研究: 兼谈蜀锦中的西域因素 [Preliminary research on the drapery of the costume of the standing Buddha statue from the third year of the Datong era in the Liang dynasty: elements of the Western Regions in Shu brocade]. *Kaogu* 考古 (2014), No. 11: 81–90.

De la Vaissière and Trombert 2004

Étienne de la Vaissière and É. Trombert. "Des Chinois et des Hu. Migration et integration des Iraniens orientaux en milieu chinois Durant le haut Moyen Âge." *Annales* 5–6 (2004): 931–69.

Yan 1957

Yan Wenru 阎文儒. "Yunmenshan yu Tuoshan" 云门山与驼山 [Yumenshan and Tuoshan]. *Wenwu cankao ziliao* 文物参考资料 (1957), No. 10: 30–33.

Yatsenko 2009

S. A. Yatsenko. "Early Turks: Male Costume in the Chinese Art: Second Half of the 6th – First Half of the 8thcc. (Images of 'Others')." *Transoxiana* 14 (2009).

Yatsenko 2012

———. "Sogdian Costume in Chinese and Sogdian Art of the 6th–8th Centuries." In: G. Malinowski, A. Paroń, B. Sz. Sznoniewski, eds., *Serica – Daqin: Studies in Archaeology, Philosophy and History of Sino – Western Relations*, Wrocław: GAJT Press, 2012: 101–14.

Yu 2018

Yu Wei 于薇. *Shengwu zhizao yu zhongguo Zhong – guo fojiao sheli gongyang* 圣物制造与中古中国佛教舍利供养 [The making of sacred goods and Buddhist reliquaries in medieval China]. Beijing: Wenwu chubanshe, 2018.

Zhang 2015



Zhang Shumin 张淑敏. *Boxing wenhua daguan: fojiao zaoxiang juan* 博兴文化大观: 佛教造像卷 [A overview of Boxing culture: Buddhist statues volume]. Beijing: Zhongguo wenshi chubanshe, 2015.

